

سایه معبد سوم روی مسجد الاقصی

بلندتر از همیشه



ساره کاظمی

از ابتدای اشغال فلسطین، مسجد الاقصی تنها یک عبادتگاه نبوده، بلکه نماد اصلی هویت فلسطین و صحنه تقابل همیشگی رژیم اشغالگر با این مردم بوده است. در میان شیوه‌های گوناگون سرکوب و درگیری با مسلمانان فلسطینی، تخریب مسجد - هرچند آرزوی دیرینه جریان‌های مذهبی صهیونیستی برای ساخت معبد سوم بر ویرانه‌های آن بوده - همیشه فاجعه‌آمیزترین و درعین حال دست‌نیافتنی‌ترین سناریو به شمار آمده است؛ اما اخیراً، نشانه‌هایی از هم‌گرایی میان روایت‌های دینی و سیاست‌های عملی در قدس دیده می‌شود و این پرسش را به میان می‌آورد که آیا آن رؤیا در حال تبدیل شدن به واقعیت است؟ آیا اسرائیل بیش از هر زمان دیگری به ایجاد تغییرات بنیادین در حرم شریف نزدیک شده است؟

ماشیح می‌آید، فلسطین تمام می‌شود

مسجد الاقصی در مکانی بنا شده است که یهودیان معتقدند محل معبد اول و دوم بوده و معبد سوم نیز در همان نقطه باید بنا شود. بر اساس باورهای یهودی معبد سوم نمادی از بازسازی هویت مذهبی و ملی است و ساخت آن مقدمه‌ای برای آمدن «ماشیح» (مسیحای یهودی) و دوران نجات قوم یهود تلقی می‌شود؛ اما ساخت معبد سوم روی مسجد الاقصی برای جریان راست افراطی و رژیم اسرائیل، بیش از یک پروژه مذهبی، یک استراتژی سیاسی است؛ با حذف مهم‌ترین نماد فلسطینی، آن‌ها می‌خواهند حاکمیت کامل بر کل شهر را تثبیت کنند. این پروژه برای نتانیاهو و ائتلافش ابزاری حیاتی برای حفظ قدرت است، چون شرکای افراطی‌اش (بن‌گورین، اسموتریچ و حزب صهیونیسم مذهبی) ساخت معبد را شرط ماندن در دولت می‌دانند. آن‌ها جنگ غزه و حوادث ۷ اکتبر را هم «فرصت طلایی» دیده‌اند؛ بعضی اعضای کنست مانند طل بن گویر علناً اظهار کرده که «غزه را نابود کردیم، حالا نوبت کوه معبد است» جنگ باعث شده توجه جهان به غزه باشد، پس فشار بین‌المللی روی الاقصی کمتر شده است.

باورهای سنتی و اهداف مدرن

در متن تورات، موجودی خاص نقشی تعیین‌کننده در بازگشت قوم اسرائیل به پاکی دارد؛ گوساله‌ای کاملاً سرخ، بی‌عیب و بدون هیچ لکه‌ای. در تورات، در سفر اعداد آمده است که آن را سلاخی کرده، بسوزانید و خاکسترش را با آب بیامیزید تا افرادی که با مرگ در تماسند تطهیر شوند. این قانون برای ورود به معبد با خدمت در برابر خدا لازم است. از همین رو در سنت یهود، سوزاندن گوساله سرخ نه یک نماد، بلکه شرط آغاز دوره‌ای تازه از پاکی و آمادگی برای ساخت معبد تلقی می‌شود. در دهه‌های اخیر، گروه‌هایی از یهودیان مذهبی ملی‌گرا که خود را اعضای «مؤسسه معبد» می‌نامند، این روایت باستانی را به هدفی معاصر تبدیل کرده‌اند؛ بازسازی معبد سوم روی ویرانه‌های مسجد الاقصی! به گزارش الجزیره در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۴۰۳، این گروه‌ها با حمایت مالی رژیم اسرائیل اقدام به انتقال پنج گوساله سرخ از مزرعه‌ای در تگزاس کرده‌اند؛ اما نقطه عطف این ماجرا اینجاست که آر.ان.اس گزارش داد در تاریخ ۱۹ و ۲۰ تیر ۱۴۰۴ یک گوساله سرخ در شمال سرزمین‌های اشغالی برای تمرین سوزانده شده و ویدئوهای آن در فضای مجازی به صورت گسترده منتشر شد. دیگر شبکه‌های اجتماعی نیز اظهار داشتند قربانی تمرینی برای تولید خاکستر مورد نیاز مناسب بود و این اقدام را به عنوان «به‌روزرسانی وضعیت کوه معبد» توصیف کردند. پوشش این رویداد نگرانی‌های گسترده‌ای در جهان اسلام برانگیخت، زیرا مستقیماً به آمادگی برای ساخت معبد اشاره داشت.

جنبش ورژیم دست در دست

طبق قطعنامه‌های سازمان ملل و کنوانسیون ژنو مسجد الاقصی بخشی از قدس شرقی و متعلق به فلسطینیان است؛ اما رژیم، به کمک ائتلاف راست‌گرایان افراطی و اعتقادات یهودیان، هیچ‌گونه پابندی به قوانین بین‌المللی ندارد و

برعکس، سعی دارد از این جریان‌ات حداکثر بهره را ببرد. از جمله اینکه فرصت ابراز و فعالیت افراد برجسته این جنبش در ساختار سیاسی رژیم به صورت نامحدود فراهم است. بن‌گورین و اسموتریچ متحدان نتانیاهو برای هرگونه اقدامی کاملاً مصون هستند. یهودا گلیک، عضو سابق کنست، از اعضای این جریان با سازماندهی تورهای آموزشی و مراسم نمادین همواره تلاش کرده تا بازسازی معبد را به بخشی از هویت اسرائیلی تبدیل کند. به گزارش الجزیره، بن‌گورین از سال ۱۴۰۱ بیش از ۱۳ بار به مسجد هجوم برده، نماز جمعی راهبری کرده و پلیس را برای حفاظت شهرک‌نشینان در بازدید از مسجد بسیج کرده است. مطابق با گزارش رویترز در مهر ۱۴۰۴، او برای دومین بار در هفته به الاقصی هجوم برد و گفت: «ما در کوه معبد نماز می‌خوانیم و حقوقمان را بازپس می‌گیریم.»

بدین صورت دولت، به غیر از تأمین مالی جنبش، امنیت و فرصت هرگونه تجاوز به مسجد را تأمین می‌کند تا «وضعیت موجود مسجد الاقصی» را تغییر دهد. از طرفی، دولت پروژه‌هایی در سال جاری به‌ثمر رسانده که موقعیت و امنیت مسجد را کاملاً به خطر انداخته است. رژیم در این پروژه‌ها، حفاری‌های گسترده‌ای در اطراف و زیر مسجد الاقصی انجام داده است که شامل احداث ۲۲ تونل جدید زیر الاقصی و میدان البراق و یک تونل جدید ۵۵۰ متری است.

جریان‌ات ایجاد شده از این پروژه‌ها به اندازه‌ای بود که استانداری بیت المقدس در ۳۰ مهر هشدار داد که این حفاری‌ها می‌تواند باعث فروپاشی ساختمان‌ها و ترک‌های خطرناک روی دیوارهای مسجد شود. پر واضح است که این اقدامات نقض آشکار قوانین بین‌المللی به شمار می‌آید.

شرع در خدمت استراتژی

هاآرتز در گزارشی می‌نویسد حذف یا تغییر محسوس در وضعیت مسجد الاقصی برای برخی بازیگران داخلی منافع سیاسی و عملیاتی ملموسی دارد. بازسازی یا تسلط بیشتر بر جبل المقدس می‌تواند پایه رأی و مشروعیت جناح‌های راست‌گرای مذهبی که ۳۰ درصد از رأی کابینه را دارند، تحکیم کند؛ تحقق وعده‌های هویتی که این گروه‌ها می‌دهند برای تثبیت یک پایگاه اجتماعی - سیاسی در انتخابات و ائتلاف‌ها تعیین‌کننده است. نیو عرب در سلسله گزارش‌هایش در سال ۱۴۰۴ هشدار داد که اسرائیل با حفاری‌های گسترده، ساماندهی هجوم‌های مکرر شهرک‌نشینان (بیش از ۶۰ هزار نفر در سال) و سایر اقدامات نامحسوس در حال تحمیل یک «واقعیت انجام‌شده» در مسجد الاقصی است که می‌تواند مانند اهرم فشاری در معادلات داخلی و منطقه‌ای ایفا کند.

علاوه بر این برکسی پوشیده نیست که مسجد الاقصی برابر با فلسطین است. این مسجد برای فلسطینیان فراتر از یک شهر است؛ آن نمادی از هویت و مقاومت ملی است. درهم‌شکستن یا کاستن از نقش نمادین الاقصی به معنای تضعیف آن روایت است. همچنین از دیدگاه سیاسی، تثبیت بیت المقدس

به عنوان یک شهر یهودی خالص هر مذاکره صلحی را بی معنا و ضمیمه کامل کرانه باختری را ممکن می‌کند؛ امری که هاآرتز نیز به عنوان پایان راه حل دو دولتی بیان کرد و آن را نجات نتانیاهو دانست. میدل‌ایست‌آی در گزارشی در ۳۱ مرداد ۱۴۰۴ نوشت تخریب الاقصی بزرگ‌ترین ضربه به هویت فلسطینی و بزرگ‌ترین پیروزی استراتژیک رژیم در ۷۵ سال اشغال خواهد بود. منافع آن فراتر از مذهب، همه ابعاد قدرت ملی اسرائیل را تقویت می‌کند. از منظر امنیتی نیز می‌توان به این نکته توجه کرد که تسلط کامل بر بیت المقدس می‌تواند از طوفان الاقصی‌های دیگری جلوگیری کند. همانگونه که حماس عامل مؤثر ۷ اکتبر را تعرض به مسجد الاقصی بیان کرد. بدین ترتیب حذف این هویت مهم تهدیدهای بالقوه بعدی را خنثی خواهد کرد. از طرفی مسجد الاقصی را می‌توان هویت مشترک همه محور مقاومت دانست که حذف آن به کل محور ضربه خواهد زد.

پیامدهای انفجاری

با این حال، تخریب مسجد الاقصی می‌تواند پیامدهای ویرانگری برای رژیم به همراه داشته باشد. با توجه به اینکه مسجد الاقصی نخستین قبله مسلمانان است، تخریب آن می‌تواند احساسات و دو میلیاردمسلمان را برانگیزد و آتش جنگ را گسترده‌تر کند، همچنین به انزوا دیپلماتیک جهانی رژیم بینجامد. هاآرتز نیز هشدار داده که فرسایش تدریجی وضعیت موجود در الاقصی، می‌تواند عواقب انفجاری داشته باشد و به محکومیت‌های گسترده بین‌المللی منجر شود، که این امر تلاش‌های عادی سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی در چهارچوب پیمان‌های ابراهیمی را نابود می‌کند.

لحظه سرنوشت‌ساز

امروز، ما بیش از هر زمان دیگری به تخریب مسجد الاقصی نزدیک شده‌ایم؛ وضعیتی که نتیجه ترکیبی از فشارهای جریان‌های راست‌گرا، حمایت مستقیم دولت و اقدامات تحریک‌کننده مانند پروژه‌های زیرساختی در اطراف و زیر مسجد و مراسم‌هایی مانند سوزاندن گوساله سرخ که تهدیدی واقعی برای ساختار فیزیکی مسجد و هشداری آشکار از تغییر بنیادین جایگاه مسجد الاقصی به نفع بازسازی معبد سوم به شمار می‌روند. این نگرانی‌ها حتی در محافل رسانه‌ای و سیاسی بین‌المللی نیز بازتاب یافته‌اند؛ در مصاحبه‌ای پرسروصدا، تاکر کارلسون با مادام آگاپیا راهبه روسی - فلسطینی صراحتاً بیان داشت برخی معتقدند تخریب مسجد الاقصی برای ساخت معبد سوم قریب الوقوع است. گزارش‌های متعدد خبرگزاری‌های مختلف مبنی بر هشدار برای هرگونه اقدام علیه مسجد الاقصی نیز همگی گواهی بر این واقعیت است که تهدید تخریب مسجد الاقصی دیگر یک احتمال دور از ذهن نیست، بلکه به یک خطر عملی، قریب الوقوع و با پیامدهای بالقوه فاجعه‌بار تبدیل شده است.

